سلسله انتشارات انجمن آثار ملی

شماره ۱۴۷

کرمانشاهان - کُردستان

مجلد اوّل

شامل بناها و آثار تاریخی اسدآباد - کَنگاور - صحنه

تألیف:

مسعود گلزاری

فهرست

فهرست

هو

به نام آنکه او نامی ندارد

سپاس بر آفریدگار جهان و درود فراوان بر واپسین پیامبران محمد محمود (ص) برمسندنشین سریر ولایت امیرالمؤمنین و امام المتقین حیدر صفدر علی عالی اعلی صلوات الله وسلامه علیه .

در پاییز سال ۱۳۴۹ ه . ش . انجمن آثارملی بر آن شد در بارهٔ بناها و آثار تاریخی کرمانشاهان اطلاعاتی گردآوری کند و به چاپ رساند و با توجه به کتاب «کرمانشاهان باستان» تألیف نگارنده و آقای محمدحسین جلیلی که در سال ۱۳۴۶ ه . ش . چاپ ومنتشر شده بود ، مرا مأمور انجام این کار کردند .

نگارنده در نیمهٔ دوم بهار وتابستان سال ۱۳۵۰ به نواحی شمال غربی و غرب کرمانشاهان روی آورد و سه چهار ماه در « اورامان لهون »[1] و «قصرشیرین» و «سرپل زهاب»[2] و «شاه آباد» و «ماهیدشت» به گردآوری مطالب و عکس برداری و نقشه برداری وخواندن کتیبه ها وسنگهای قبور قدیمی پرداخت و به این نتیجه رسید که اگر این کار بایستی سامانی پذیرد وآنچه ننوشته اند، نوشته شود، « مثنوی هفتاد من کاغذ شود ».

نامه ای به انجمن نوشته ویادآور شد که این مهم در زمانی محدود به انجام نخواهد رسید ودرصفحه هایی معدود (۱۰۰۰ صفحه) ، نخواهد گنجید .

۱- Ūrāmān - e Lehōn   ۲- Sar - e pul - e Zehāb

ریاست وقت هیأت مدیرهٔ انجمن ـ روانشاد سپهبد فرج‌الله آق‌اولی ـ باآزادگی تمام ، دست مرا باز گذاشتند وازبند تنگنای صفحه‌های تعیین شده آزادم کردند وقرار براین‌شد که به حدود کرمانشاهان سیاسی‌امروز بسنده نکنم بلکه کرمانشاهان ویاکردستان قدیم (سرزمین کردنشین‌غرب ایران)، بررسی گردد .

طرح مقدماتی‌کار در همان روز با نظر ایشان ریخته شد و قرار براین‌شد مطالب مربوط از سرگردنهٔ اسدآباد تا خسروی ـ مرز ایران و عراق ـ و از جنوبی‌ترین نقطهٔ ایلام پشت‌کوه تـا زیردست دریاچـهٔ اورمیه در زمانی هراندازه‌کوتاهتربهتر، گردآوری وچاپ گردد . ازاینرو به‌آغاز کار که بخش اسدآباد بود روی‌آوردم و دره‌های فرعی‌سمت غربی‌رشتهٔ الوند را یکی پس از دیگری پیاده پیمودم و به ثبت و ضبط بناها وآثار تاریخی مشغول شدم . بررسی بخش اسدآبـاد پس از دوهفته به پایان رسید . سپس به بخش کنگاور پـا نهادم و تمامی بخش را ده بـه ده و کوی به‌کوی از نزدیك دیدم و آنچه بنا و آثار تاریخی بود از نزدیك بررسی نمودم .

پس ازکنگاور راهی بخش صحنه شدم . این بخش بـا داشتن دو بلوك بزرگ دینور و چمچمال و دهکده‌های فراوان و پراکنده ، بیش از سه ماه‌کاربرد . از سنقر وکلیایی وهرسین وقسمتهایی ازکرمانشاه واطراف آن نیز دیدن‌کردم و از هرکجاکه آجری برآجروسنگی برسنگ نهاده بودند یادداشت برداشتم.

دراین‌سفرها ، همواره توفیق رفیق‌راه نبود . شرح رویدادهاخودکتابی دیگر است ودراین مختصرنمی‌گنجد. برخوردها گاهی‌چنان‌توهین‌آمیز

و با خشونت همراه بود که کار از گفتگو به مجادله می کشید و گاه مجتهای افراد چنان بود کـه بدون شناخت قبلی ، پیش می‌افتادند و به دورترین نقطه که ساعتها وقت می گرفت ، راهنماییم می کردند. یکی مرا گنج گیر می‌خواند. دیگری دیوانه‌ام می‌پنداشت . سومی در گوش دیگران نجوا می کرد کـه از همانهایی هستند کـه روزها در گورستانها و امامزاده‌ها می گردند تا شب بیایند و کارخودشان را بکنند. چهارمی می گفت برای خرید عتیقه وزیر خاکی آمده است (هر کسی از ظن خود شد یار من). راههای سنگین در ارتفاعـات خشك در روزهـای گرم تابستان و نبودن آبی گوارا و حملهٔ حشرات وخزندگان سمی گوناگون، از گرفتاریهایی فراموش نشدنی است.

گاهی در گرمـا گرم کار گرفتار خشم آسمان می‌شدم و چند روز معطل و سرگردان از کار بازمی‌ماندم و گاه این سرگردانی بحدی می‌رسید که از ناچاری به تهران باز می گشتم .

با این همه نگارنده نمی‌تواند ادعا کند که کار بررسی و مطالعهٔ سرزمین غرب ایران را از نظر شناخت و تحقیق بناها و آثار تاریخی و مکانهای بـاستانی تمام کرده است . تنها می‌توان مطالعات مرا فهرستی از آثار تاریخی و نقاط باستانی دانست، زیرا خود واقفم که این بررسی، کاری بسیار خام و نوپا است ؛ اگر این کتاب روزی راهنمای هیأتهای مجهز علمی و باستانشناسی شد، آن وقت است که نگارنده اجر خود را گرفته است . به امید آن روزی کـه در تمامی این سرزمین جایی باقی نمانده باشد که حفاری و یا بررسی دقیق نشده باشد، شاید خود نیز عضو ناچیزی در یکی از آن هیأتهای علمی باشم !

اما تألیف این کتاب را چند عامل است : یکی ذوق و شوق در شناخت سرزمینی که زمانی بس کوتاه مرا در دامان خود به شاگردی سال آخر دبیرستان پذیرا شد و سپس بعد از سالهای زیاد به عنوان دبیر به همان مدرسه‌ام برد کـه روزی شاگردش بودم . سالی‌چند نیز همان مدرسه را اداره کردم و طبعاً دلبستگیهای نهانی به آن ناحیه دارم .

دو دیگر ذهن نسبةً آماده‌ای کـه دربارهٔ بناها و آثار تـاریخی ، بویژه دوره‌های پیش از اسلام بخش عمدهٔ غرب ایران (کرمـانشاهان و ایلام پشت‌کوه و کردستان و قسمتهـای جنوبی آذربایجان غربی)، داشتم . اطلاعات من دراین زمینه ناشی از روایات و اقوال دوستان وشاگردان ومردم مطلع ومبتنی بربازدیدها و یادداشتهای فراوانی بود که‌درسالهای متمادی دیده وبرداشته بودم .

* * *

تنظیم مطالب کتاب برپایهٔ مسیر راه قدیمی‌خراسان ـ بغداد است وسعی براین‌شده است اسامی‌دهکده‌ها و مکانهای‌تاریخی به‌همان‌صورت محلی خود ثبت وضبط گردد .

ابتدای‌هربخش، برای‌شناخت نواحی ، تا آنجایی که مقدور بود دربارهٔ جغرافیای تاریخی هریك نوشتم و آنگاه به شرح بناها و آثار تاریخی پرداختم و درانتهای هربخش زیر عنوان « باقی بناها و آثار تاریخی » آثاری‌را فهرست‌وار نامبرده‌ام و جای آنان را تعیین کرده‌ام . این‌آثار آنهایی است کـه یا درگذشته بسیار بـا عظمت بوده و به مرور محقر و

مختصر شده‌اند و یا تپه‌هـای باستانی است که هنوز حفاری نشده‌اند تا بتوان به ارزش واقعی آنها پی‌برد .

مطالعه و بررسی بناها و آثارتاریخی که در دشت است ، چندان مشکل نیست . زیرا راههای ماشین‌رو دهکده‌های پراکنده را بـه مراکز اصلی بخشها یا شاهراه متصل می‌کند و بـا راه پیمایی کوتاهی به یکایك آنها می‌توان رفت . اما دسترسی به نقاط دورافتادهٔ کوهستانی که فقط با پای پیاده یا مال می‌توان از آنها دیدن کرد ، بسیار دشوار است و نمی‌توان بدون وسایل کافی ومطالعهٔ قبلی به یکا یك آثار تاریخی کوهستانی رسید. برای گردآوری اطلاعـاتی دربارهٔ « قبر کیکاووس » و « مرآوه‌زا »[۳] و غارهـای « پَرّو»[۴] و « بیستون » و « دینور » ، نگارنـده مجبور شد در سفرهای جداگانه وباوسایل لازم کوه نوردی ، ازاین نواحی بازدید کند.

مطالبی که بـه قلم نگارنده است، با « اشپون » هفت چیده شد و اقوال نقل شده ازکتابهای دیگر در داخل دو گیومه قرارداده و با اشپون شش چیده شد . بعض از متنهای عربی را کـه نگارنده به فارسی بر گردانده است با قراردادن درمیان‌دوخط تیره، ضمن‌متن‌گنجانیده شد. نوشته‌های احکام و فرمانها و سنگ نبشته‌هـا و سنگهـای قبور و صندوق و ضریح مرقدها و درهای بقعه‌ها و مسجدها بـا اشپون شش در میان دو گیومه با حفظ رسم‌الخط، چیده شده است و اگراغلاطی‌هم درآنها بود عیناً نقل

---

۳ - mar - āvazā: غارآوه‌زا = غارآوازا .	۴- Parro : رشته کوهی‌است که به بیستون ختم می‌شود .

گردید و اگر گفتنی بود درحاشیهٔ صفحه اشاره نمود .

سفرهای نگارنده پیش از شروع مطالعهٔ آثار تاریخی

پیش از اینکه به‌کار بررسی آثار تاریخی بخشهای اسدآباد ،کنگاور و صحنه بپردازم چهار سفر به تمامی نواحی : همدان ،کرمانشاهان، ایلام پشت کوه ، کردستان و مناطق جنوبی و کـردنشین آذربایجان غـربی کرده بودم .

در سال ۱۳۳۰ ش. پدرم مرزبان « سردشت »[۵] شد ومن تابستان سالهای ۳۰ و۳۱ را در سردشت ومهابادگذراندم . اولین برخورد وآشنایی من با کردان ازاین زمان‌آغازشد. همراه شدن با پدر در بازدیدهای‌منطقه‌ای که یك بارهم بـه استان سلیمانیهٔ عراق بود ، مرا با اشیای عتیقه و آثار تاریخی وتپه‌های باستانی (تپه‌گوری)[۶] آشنا ساخت واین‌مقدمهٔ برداشتن یادداشتها و عکسهای من گردید .

در سال ۱۳۳۴ ش . از«طاق‌وستان» (=طاق وسطام) وبیستون ودرسال ۱۳۳۵ ش. از صحنه ،کنگاور، اسدآباد، همدان وسنندج دیدن کردم و پس از بازدید از دهکده‌هـای بین راه و برداشتن یادداشت و عکس به

۵ــ سردشت : یکی‌از بخشهای سه‌گانهٔ شهرستان مهابادکه درجنوب غربی‌مهاباد واقع است. مرکزآن قصبهٔ سردشت است در۱۳۹ کیلومتری جنوب غربی مهاباد (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۴ ، ص۲۶۷و۲۶۸).

۶ــ tape-Gurī

کرمانشاه رفتم . سال بعد ماهیدشت، شاه‌آباد غرب، «کرند»[۷]، پاطاق، سرپل زهاب ، قصرشیرین، نفت شاه و «پاوه»[۸] و دهکده‌های سرراه را یکی بعد از دیگری دیدم و بـا برداشتن عکس ویادداشت، براطلاعات جمع‌آوری‌شده اوراقی چند افزوده گشت.

بین سالهای ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۶ شمسی از سرتاسر منطقهٔ ایلام پشت‌کوه و خرم‌آباد وتمامی خاك کردستان دیدن کردم و همچنین دیدن نقاط نادیدهٔ کرمانشاه مرا برآن‌داشت تا به اتفاق‌استاد بزرگوارم آقای محمدحسین جلیلی ،کـه افتخار شاگردی و سپس همکاری ایشان را داشته‌ام ،کتاب «کرمانشاهان باستان»[۹]راکه به مناسبت جشنهای تاجگذاری چاپ و منتشرگردید، تهیه نمایم.

سفرهای نگارنده پس از شروع مطالعهٔ آثار تاریخی

در اواخر اردی‌بهشت ماه سال ۱۳۵۰ ش . برای تحقیق درآثار نواحی اورامان لهون و قصرشیرین سفری ترتیب دادم و بـه اتفاق آقای حمید اَزگلی ـ پسر دایی نگارنده به راه افتادیم و سه ماه تمام ، با پای پیاده وگاهی با قاطر و زمـانی‌هم بـا ماشین نقاط‌کوهستانی اورامان لهون را بازدیدکردیم وازطریق‌جادهٔ نظامی دوآب ـ سرپل،خودرابه‌قصرشیرین

۷- Kerend ۸- Pāveh مرکزفرمانداری اورامان لهون.

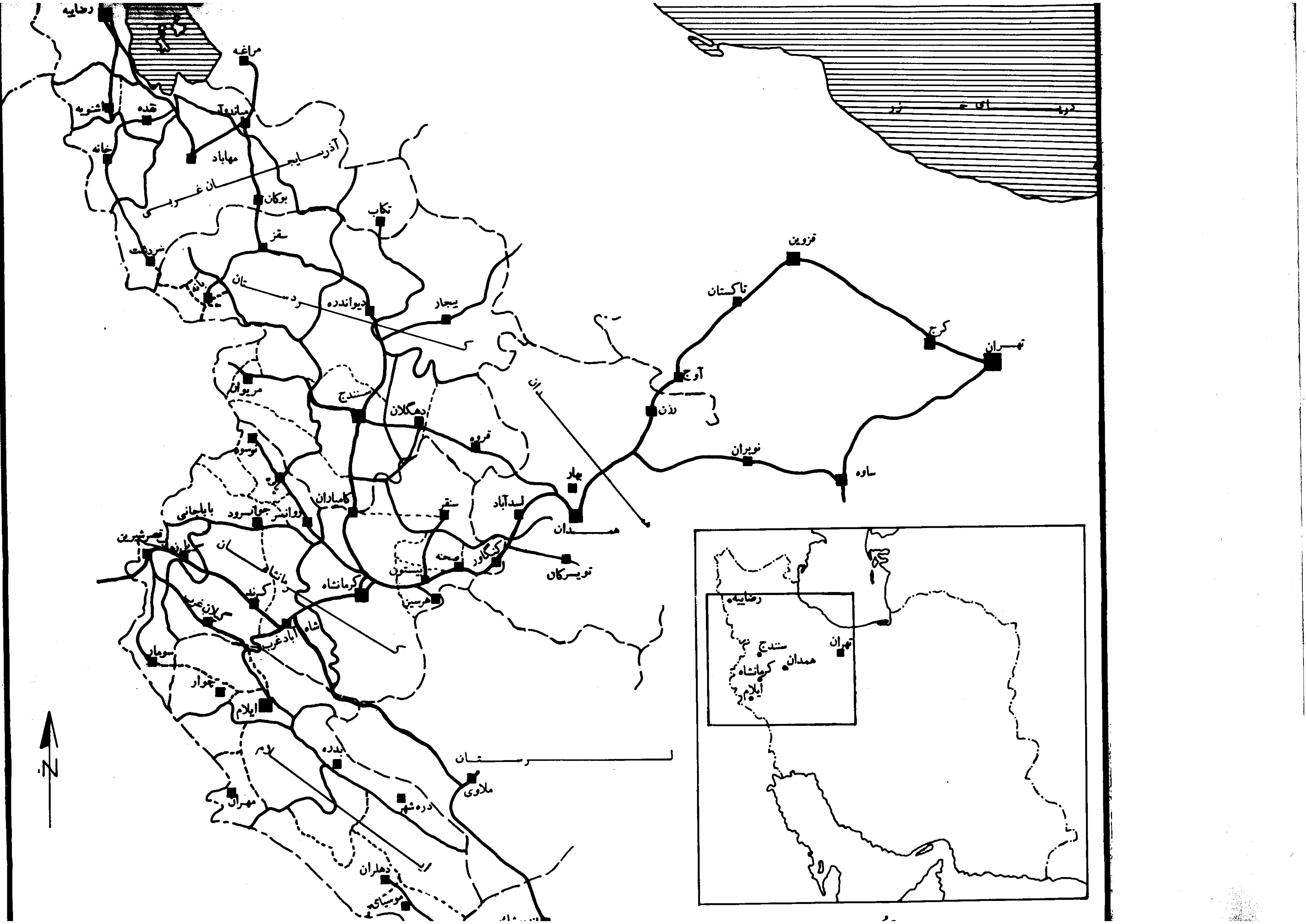
۹ـمتأسفانه نام مؤلفین برروی جلدکتاب از قلم افتاده‌است؛ شایدعجلهٔ چاپخانهٔ وزارت فرهنگ و هنر بوده است؟!

رساندیم . قصرشیرین، سرپل، شاه‌آباد غرب وماهیدشت‌را دیدن کردیم واین همان سفری بود که مبداءکاررا عوض کرد وبااطلاع انجمن آثارــ ملی و راهنمایی روانشاد تیمسار آق اولی، مطالعه وبررسی آثارتاریخی ازگردنهٔ اسدآباد شروع گردید .

درتیرماه ۱۳۵۱ ش. با همراهی آقای‌حمید از گلی، با اتومبیل‌به‌اسدآباد رسیدیم. مدت‌چهارده روزسراسرخاك اسدآباد را گردش کردیم. دراین مدت‌نگارنده توانست تاسرحد امکان، بناها وآثارتاریخی‌خاك اسدآباد: قلعه‌ها وگورستانهای قدیمی و امامزاده‌هــا و حمامها و سنگ نبشته‌ها و راههای قدیمی‌را بررسی کند وشرحی دربارهٔ هریك بنویسد . نقاط زیر را بازدید کردیم و خودرا از راه فارسینج به سنقر وکلیایی رساندیم.

شهراب[۱۰]ــ سدران[۱۱]ــ اشترجین[۱۲] ــ حسین آوا ــ قاسم آوا خنداب[۱۳] ــ جنت آواــ هوبَرَج[۱۴]ــ ده‌بزان[۱۵]ــ هُولورخُوارین[۱۶]ــ حاجی آواــ شیرــ زیلی[۱۷] (=شیره‌ذیلی=ویرایی)ــ وِنـدِر آوا[۱۸]ــترخین آواــ مَلـهَم‌دَرِ[۱۹] (=مرهم‌دره)ــ بیاجــبوجینــ گذرکجین[۲۰]ــقاضی‌مردانــ یوسف آواــ ده نوش ــ ده نو ــ خاکریز ــ مزرع بیدــ بادخوره ــ احمدآوا ــ شاهــ کهریز ــ موسی آوا[۲۱]ــ قاسم آوا ــ لك‌لك ــگاو گدار ــ قَلَه چوقَه (=نجف آباد)ــگُمَلَه[۲۲] (=گُن‌بَلَه[۲۳])ــبی‌تروان[۲۴]ــکَوانْج[۲۵]ــمُنوْرتپه

۱۰- Šahrāb   ۱۱- Sederān   ۱۲- Ošturǰīn
۱۳- Xondāb   ۱۴- Hodaraǰ   ۱۵- Deh - bozān
۱۶- Holwar-e Xūārīn   ۱۷- Šīrezīlī   ۱۸- Vender āWā
۱۹- M lham-dare   ۲۰- Guzar - Kaǰīn
۲۱- Mūsī-āwā   ۲۲- Gumalah   ۲۳- Gunbalah
۲۴- Bīterwān   ۲۵- Kavānǰ



دریای خزر
رضاییه
مراغه
اشنویه
نقده
میاندوآب
مهاباد
خانه
بوکان
سقز
سردشت
بانه
دیواندره
بیجار
تکاب
قزوین
تاکستان
کرج
تهران
آوج
رزن
نوبران
ساوه
بهار
همدان
اسدآباد
کنگاور
تویسرکان
سنقر
صحنه
بیستون
هرسین
کرمانشاه
کامیاران
سنندج
دهگلان
قروه
مریوان
پاوه
روانسر
جوانرود
باباجانی
قصرشیرین
کرند
گیلان غرب
اسلام آباد غرب
شاه آباد
سومار
چوار
ایلام
بدره
دره شهر
مهران
ملاوی
دهلران
موسیان
آذربایجان غربی
کردستان
کرمانشاه
لرستان
ایلام
تهران
همدان
سنندج
کرمانشاه
ایلام
رضاییه
N